

بررسی عوامل مؤثر مهاجرت ایرانیان به هند در دوره سلاطین دهلی

حسین نظری^۱

چکیده

تشکیل حکومت سلاطین دهلی در سال ۶۰۲ هجری قمری در هندوستان و به مرکزیت دهلی که همزمان با وقوع حادثه مهم حمله مغولان به سرزمین‌های اسلامی بوده است، بخشی از تاریخ اسلام را شامل می‌شود که دوره‌ای سیصد ساله را در بر می‌گیرد. در این دوره سیصد ساله دستاوردهای تاریخ نگاری و علمی بسیاری به دست آمده است که بخش زیادی از آن به وسیله ایرانیان ایجاد شده و قسمتی از تمدن اسلامی هندوستان را شکل داده است. عوامل مؤثر بر مهاجرت ایرانیان به هند در دوره سلاطین دهلی یکی از بخش‌های این سیر پدیدایی تمدن اسلامی هندوستان در دوره سلاطین دهلی را شکل می‌دهد. در این مقاله برآنیم تا بر اساس نظریه اورت اس لی که چهار عامل را در پدیدایی و یا شکست مهاجرت مؤثر و دخیل می‌داند، مورد بررسی قرار دهیم.

واژه‌های کلیدی: اسلام، ایرانیان، مهاجرت، هندوستان، سلاطین دهلی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تهران Hosseinenzari@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۷



مقدمه

مهاجرت ایرانیان به هندوستان با توجه به پیشینه روابط فرهنگی و اقتصادی دو کشور سایقه طولانی دارد. شکل گیری حکومت سلاطین دهلی همزمان با مهاجرت ایرانیان بشمارى به سرزمین هندوستان می‌باشد که خود طلیعه مهاجرت‌های بعدی ایرانیان در دوران حکومت گورکانی به هندوستان شد. مهاجرت مردم سرزمین‌های غربی اسلام و به خصوص ایرانی‌ها در این دوره به هندوستان تا آن اندازه زیاد بوده است که به منظور رسیدگی به امور مهاجران منصب حاجب‌الغریبایی در دربار سلاطین دهلی ایجاد شده بود. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۰/۲) بر اساس منابع و مآخذ در دسترس بیشتر مهاجران ایرانی که در این دوره به سرزمین هندوستان رفتند دارای حرفه و هنر خاصی بودند. هر چند برخی از این مهاجرت‌ها به منظور کسب جایگاه حکومتی و اجتماعی بهتر نبود و اهداف دینی منشاء آن بوده است، ولی بسیاری به واسطه حرفه و هنری که داشتند، مشاغل حکومتی را بدست گرفته و به این وسیله زندگی بهتر از زندگی ایران برای خود در هندوستان ایجاد کردند. مهاجران که بیشتر اهل علم و ادب بودند. تأثیرات زیادی بر سلسله‌ها و مردمان هندوستان گذاشتند و موجبات گسترش فرهنگ اسلام و ایران در هندوستان شدند. این مهاجرت‌ها که به مانند دیگر مهاجرت‌های انسان در طول تاریخ برای بدست آوردن شرایط مطلوب زندگی بوده است به یقین از شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران و همچنین شرایط ایجاد شده در حکومت سلاطین دهلی و شرایط دیگر تأثیر پذیرفته است و پیامدهای بی‌شماری نیز به دنبال داشته است. در اینجا برآنیم که مهاجرت ایرانیان به هندوستان را براساس نظریه مهاجرت اورت اس لی مورد بررسی قرار بدهیم. مقاله «عوامل گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند در قرون وسطی» نوشته نجات حسینی و کتاب «مهاجرت به هند» نوشته فرهنگ ارشاد از جمله نوشته‌هایی هستند که به این مطلب پرداخته‌اند با این تفاوت که کتاب ذکر شده دوره گورکانیان را مورد توجه دارد و نگاهی کلی به موضوع مهاجرت ایرانیان به هند دارد و در هر دو نوشته گفته شده نظریه مورد نظر این مقاله مورد توجه قرار نگرفته است.



در دوره سلاطین دهلی ایرانیان به دو شکل عمده خصمانه و غیرخصمانه وارد هندوستان شدند. شکل خصمانه این ورود را در تهاجم سپاهیان غوری که آغازی بر شکل گیری حکومت‌های اسلامی در هندوستان بود، می‌توان مشاهده نمود. این لشکرکشی‌ها موجی از مهاجرت ایرانیان را با خود داشت که در لباس مجاهد وارد هندوستان شده و با تأسیس حکومت غلام شاهیان به عنوان اولین سلسله از حکومت‌های سلاطین دهلی در هندوستان مستقر شدند. در میان سپاهیان و نظامیانی که وارد هندوستان شدند می‌توان به امیر داوود دیلمی اشاره داشت که بعدها در عزل آرامشاه جانشین آیک نقش داشت، اشاره نمود. (عقیف، ۱۳۸۵: ۹) شکل دیگر ورود ایرانیان در این دوره را که غیر خصمانه نامیدیم را می‌توان به دو شاخه عمده تقسیم کرد. یکی از این دو شاخه را باید در حرکت اهل تصوف از سرزمین‌های ایرانی به هندوستان دانست. نفوذ دو طریقت همه سهروردیه و چشتیه در هندوستان و شهرت برخی از مشایخ آن در جهان اسلام باعث شد تا برخی از ایرانیان برای فراگیری تصوف به هندوستان مهاجرت کنند. یکی از نمونه‌های این مهاجرت را می‌توان فخرالدین عراقی دانست که برای فعالیت‌های تبلیغی و فراگیری بیشتر تصوف از بهاءالدین زکریا یکی از شیوخ سهروردی عازم هندوستان شد و مدتی در آنجا سکونت داشت. (محدث دهلوی، ۱۳۸۳: ۵۱) شاخه دیگر این نحوه مهاجرت را می‌توان به مهاجرت ایرانیان برای تجارت و فعالیت‌های اقتصادی به هندوستان دانست. ابن بطوطه از وجود ایرانیانی در هند سخن به میان آورده است که به فعالیت‌های اقتصادی و تجارت بین هند و سرزمین‌های غربی هندوستان که ایران امروزی باشد می‌پرداخته‌اند. (ابن بطوطه، ۱۳۷۸: ۲/۲۹۶ و ۱۹۴)

مهاجرت و نظریه اورت اس لی

هر چند در میان انگیزه‌های مهاجرت اهداف اقتصادی و بهبود شرایط زندگی مادی بسیار پر رنگ است. (لهاسائی زاده، ۱۳۶۸: ۱۷۹) اما مهاجرت را می‌توان یک اقدام «اجتماعی-اقتصادی» مطابق با فطرت و نیازهای طبیعی انسان دانست. (زنجان، ۱۳۸۰: ۵) به طور کلی مهاجرت ناشی از عدم تعادل‌های اقتصادی-اجتماعی موجود بین مناطق مختلف است. محققان مهاجرت در مورد دلایل انتخاب مقصد مهاجرین چند عامل را مؤثر می‌دانند: ۱. نزدیکی جغرافیایی کشور مقصد با کشور مبدأ ۲. نزدیکی قومی، زبانی و نژادی بین دو کشور ۳. وجود نزدیکان و خویشاوندان در کشور مقصد یا راحتی ارتباطات بین کشور مقصد و



مبدأ ۴. شرایط اجتماعی و حقوق موجود در کشور مقصد. (خباز بهشتی، ۱۳۸۱: ۱۳) مهاجران ترجیح می‌دهند در وضعیتی جابه‌جا شوند که در سازمان اجتماعی ایشان، یعنی در انگاره‌های درونی شده رفتار آنان کمترین دگرگونی و آشفتگی پدید آید. (لهاسائی زاده، ۱۳۸۰: ۶۷) چرا که گوناگونی‌های شدید در زبان، مذهب، ظاهر جسمانی، آداب و رسوم اجتماعی و سنن فرهنگی احتمالاً موجب منع ادغام مهاجران در جامعه مقصد خواهد شد. (پریدخت وحیدی، ۱۳۶۴: ۱۲۲) روابط گسترده ایرانیان و هندیان در دوره‌های مختلف زمانی که خود برخاسته از نزدیکی قومی و زبانی بود بر این نزدیکی افزوده بود. وجود ایرانیان در دربار که گاه از دوستان و اقوام مهاجرین بودند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱۴۷/۲) با توجه به نیاز حکومت‌ها و به خصوص حکومت مسلمان سلاطین دهلی در هند به نیروی متخصص در مهاجرت به هند با گروه زیادی از نخبگان ایرانی رو به رو هستیم که این امر می‌تواند تأییدکننده این نکته باشد که متحرک‌ترین بخش جمعیت کسانی هستند که دارای تحصیلات بالاتر و دارای مهارت‌های حرفه‌ای و فنی هستند. (لهاسائی زاده، ۱۳۸۰: ۱۸۶)

بر اساس مباحث جامعه‌شناسی مهاجرت در مهاجرت ایرانیان به هند به دو شکل مهاجرت انفرادی و مهاجرت گروهی می‌توان اشاره کرد. مهاجرت‌های انفرادی بیشتر تحت تأثیر عوامل جاذب خارجی است؛ ولی در مهاجرت‌های گروهی عوامل دافعه داخلی همچون مسائل اختلافات مذهبی و سیاسی باعث مهاجرت می‌شود که در مهاجرت ایرانیان به هند نمونه برجسته مهاجرت سید علی همدانی است که به همراه تعداد زیادی از سادات همدان به دلیل اختلافات شدید با تیمور که در گام اول باعث دستور وی به اخراج آنان از قلمروی تیموری و در مرحله دوم قتل و کشتار سادات همدان شده بود به هندوستان رهسپار شدند. هر چند گاه عوامل داخلی نیز در مهاجرت‌های انفرادی متأثر هستند. به دیگر سخن در مهاجرت‌های جمعی، اجبار است که موجبات ترک وطن را فراهم می‌کند، ولی در مهاجرت‌های انفرادی، کشش و انگیزه‌های خارجی فرد را به رفتن ترغیب می‌کند. در مجموع تحرک‌های اجتماعی برای بدست آوردن جایگاه بهتر اقتصادی و اجتماعی است که در خاستگاه مهاجر امکان دست‌یابی به آن امکان‌پذیر نبوده است.



در این نوشته قصد داریم مسئله مهاجرت نخبگان ایرانی را براساس نظریه جذب و دفع و مدل اورت اس.لی که در اواخر قرن نوزدهم و بیستم در محافل علمی جهان مطرح شده است، مورد بررسی قرار دهیم. اورت اس.لی بر اساس نظریه خود عوامل جذب و دفع را منشأ مهاجرت می‌داند. او معتقد است عواملی که در تصمیم مهاجر و فرآیند مهاجرت تأثیر گذار است عوامل دافع در مبدأ، عوامل جاذب در مقصد، شخص مهاجر؛ عوامل شخصی به عواملی اشاره دارد که در شروع مهاجرت تأثیر داشته و آنرا تسهیل و یا به عقب می‌اندازد. (لهسائی زاده، ۱۳۸۰: ۶۳) البوت بر عامل چهارم یعنی عوامل مداخله گر نیز تأکید دارد و بیان می‌دارد بین مبدأ و مقصد مجموعه‌ای از موانع مداخله گر وجود دارند که بر تصمیم فرد برای عملی کردن مهاجرت تأثیرگذار است؛ از دید وی مهم‌ترین عامل در این میان مسافت بین مبدأ و مقصد است. البته افراد مختلف تأثیرات متفاوتی را از موانع متفاوت می‌پذیرند؛ به طور مثال برخی از عواملی که برای عده‌ای کم اهمیت تر دیده شده است (مانند هزینه‌های سفر) برای برخی دیگر مانعی اساسی و مهم تلقی شود. بنابراین در این نوشته با توجه به شرایط ایران و هند و همچنین مهاجران باید عوامل چندگانه:

۱. عواملی دافع در مقصد
۲. عواملی جاذب در هندوستان
۳. عوامل مداخله گر
۴. شرایط و موقعیت شخص کوچنده بررسی شود. (پریدخت وحیدی، ۱۳۶۶: ۴۴)

۱. عوامل دافعه

۱،۱ اختلافات سیاسی مهاجران با حکومت سرزمین‌های مبدأ

یکی از عواملی که در این دوره باعث مهاجرت نخبگان به هند می‌شده است، اختلافات فکری و سیاسی سیاست مداران با سران حکومت می‌باشد. یکی از نمونه‌های این نوع مهاجرت را می‌توان در مهاجرت جد خواجه عبدالملک عصامی، فخر الملک، دانست. وی بر اثر اختلافاتی که با حکومت خلیفه عباسی در بغداد داشت در دوره التتمش به ملتان مهاجرت کرد و توانست منصب وزارت را در دست بگیرد. وی در دوره ناصرالدین پادشاه دیگر مملوکی نیز با لقب ظهیر الملک منصب وکالت را در دست داشت. (فرشته، ۱۳۸۷: ۶۷۳/۱) نمونه دیگر را می‌توان در فرار ترمشیرین حاکم مغول عزل شده ماوراءالنهر به سند که در



قلمروی حکومتی محمد بن تغلق قرارداداشت، اشاره کرد. وی پس از ورود به سند مورد استقبال حاکم منطقه قرار گرفت. هرچند این مهاجرت اجباری چندان دوامی نداشت و حکومت او را به علت ترس از فعالیت‌های سیاسی و کودتا، از هندوستان اخراج کرد. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۵۳-۴۵۴)

۱,۲ حملات مغول به ایران

رخداد حمله چنگیز مغول به ایران از عواملی بوده است که باعث مهاجرت ایرانیان به هندوستان شده است. (فرشته، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۳۵ و ۲۶۲) این حملات باعث شد تا بخش زیادی از جامعه نخبه ایرانی از فقها و عرفا و شعرا و بزرگان به سوی هند سرازیر شوند (فرشته، ۱۳۸۷: ۱/ ۴۱۰-۴۱۲) این مهاجرت‌ها که گاه به صورت دسته جمعی بود (محدث دهلوی، ۱۳۸۳، ۲۱) باعث می‌شد تا در دهلی محله‌های زیادی به این مهاجران مسلمان غرب هندوستان اختصاص داده شد. (فرشته، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۶۸) خانواده بزرگان عرفان مانند فرید لدین گنج شکر در نتیجه همین حملات از کابل به لاهور مهاجرت کردند و منصب قضاوت را در این شهر به عهد گرفتند. (کرمانی، ۱۳۵۷: ۶۸-۶۹) فرشته در تاریخ خود یادآور می‌شود که در دوره یالتمش بیست و پنج شاهزاده عراق و خراسان و ماوراءالنهر در دربار وی حضور داشته‌اند. (فرشته، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۶۲) او به نقل از ملحقات طبقات ناصری این افتخار را برای بلبن کافی می‌داند که جدای از امرا و شاهزادگانی که در دوره‌های قبل به دربارا دهلی آمده‌اند در دوره وی پانزده شاهزاده از ترکستان و ماوراءالنهر و خراسان و عراق و آذربایجان و فارس و روم و شام به دربار وی وارد شده‌اند. (فرشته، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۶۷)

۱,۳ اوضاع نامناسب اقتصادی ایران و فشار مالیاتی

حملات مغول‌ها به ایران باعث شد تا اوضاع اقتصادی ایران به خاطر غارت و نابودی ثروت مردم در این حملات رو به وخامت بگذارد. زرین کوب می‌نویسد: «روستائیان مکرر ناچار می‌شدند برای فرار از بیگاری و مالیات، اراضی خود را رها کنند و بگریزند. از هر کجا عبور باسقاقان (ماموران مالیاتی) به وسیله دیدبانان روستا گزارش می‌شد و رعایا از بیم غارت هرچه را می‌توانستند بار می‌کردند و سر به صحرا می‌نهادند و بارها به همین سبب اراضی دایر به بایر تبدیل می‌شد...» او همچنین در مورد شهرها می‌نویسد: «در شهرها هم دوام قحط و فقر ناشی از ویرانی روستا اثر خود را در زندگی طبقات خرده‌پا و پیشه‌وران جزء ظاهر



می‌کرد و استمرارِ فاقه (گرسنگی) و حاجت‌گه‌گاه‌عاملی در رواج فحشا و توسعه اماکن فساد می‌شد که در آن ایام خرابات نام داشت». (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۵۴۴) بنابراین اقتصاد و به تنزل نهاد. کار به جایی رسیده بود که به گفته جوینی: «هر مزدوری دستوری و هر مزوری وزیر» (جوینی، ۱۳۸۵: ۱۱۰) گردیده بود. این شرایط بد اقتصادی کم کم دامن شرایط فرهنگی ایران را نیز فرا می‌گیرد؛ «در شهرها هم دوام قحط و فقر ناشی از ویرانی روستا اثر خود را در زندگی طبقات خرده‌پا و پیشه‌وران جزء ظاهر می‌کرد و استمرارِ فاقه (گرسنگی) و حاجت‌گه‌گاه‌عاملی در رواج فحشا و توسعه اماکن فساد می‌شد که در آن ایام خرابات نام داشت». (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۵۴۶) پیداست که شیوع امراض و قحطی بر شمار مهاجران به هندوستان روز به روز افزود. (صفا، ۱۳۷۸: ۱۰۲/۳) حضور برخی از ایرانیان در هند نشان از این شرایط وخیم ایران دارد. ورود ایرانیان به نیروی نظامی حکومت سلاطین دهلی و یا شرکت در شورش‌های امرا علیه حکومت مرکزی سلاطین دهلی به عنوان نیروی نظامی و مزدور (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱۱۸/۲) می‌تواند بازتاب دهنده اوضاع بد اقتصادی سرزمین ایران و نشان از سطح نیازمندی مردم ایران باشد.

۲. عوامل جاذبه مؤثر در مهاجرت ایرانیان به هندوستان

عوامل جاذبه به عواملی گفته می‌شود که در مقصد وجود دارد و باعث جذب و کشش مهاجر به سوی مقصد می‌شود.

۲.۱ وجود زمینه کاری

تشکیل حکومت سلطنت دهلی توسط مردمان خارج از سرزمین هندوستان باعث شده بود تا سلاطین در استخدام نیروی کار تنها بر روی مردم بومی حساب نکنند. در شرایطی که فرماندهان سرزمینی مثل ملتان به نیروی نظامی نیاز داشتند به استخدام نیروی نظامی از افغانستان و خراسان و ترکستان اقدام می‌کردند. مثال این مورد را می‌توان در شورش کشلوخان علیه محمد بن تغلق (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱۱۷/۲) و همچنین تشکیل گارد سلاطینی توسط غیاث الدین که بخش زیادی از ایشان را مردمان ایران از سمرقند، سیستان، لر و کرد و تشکیل می‌دادند. (فرشته، ۱۳۸۷: ۲۶۸/۱؛ برنی، ۱۸۸۹: ۳۵) مشاهده کرد. زمینه کاری در این دوره از تاریخ هندوستان منحصر به فعالیت‌های نظامی نبوده است؛ در دیگر مشاغل حکومتی و در زمینه‌هایی مانند ضرب سکه، فعالیت دیوانی مانند فعالیت در دیوان برید، دبیری، خنیاگری قضاوت، طبابت



نیز ایرانیان در حکومت نقش ایفا می‌کرده‌اند. (کرمانی، ۱۳۵۷: ۲۱۸؛ ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۹۶/۲-۴۹-۲۸؛ هدایت، ۱۳۸۲: ۶۲۷/۱)

۲,۲ وجود سلاطین و وزرای علم و ادب دوست

برخی از سلاطین دهلی به علم و ادب اهمیت زیاد می‌گذاشته‌اند. چنانچه عوفی در ورود خود به دهلی کتاب جامع الحکایات خود را به وزیر سلطان التتمش، نظام الدین جنیدی، تقدیم کرد. (عوفی، ۱۳۸۶: ۲۷/۱) این توجه محدود به علوم اسلامی نبوده و گاه برخی از سلاطین دستور ترجمه کتب هندی را صادر می‌کرده‌اند. (فرشته، ۱۳۸۷: ۴۹۲/۱) حمایت مالی سلاطین از بزرگان علمی تا به جایی بود که برخی از علمای دیگر نواحی جهان اسلام تنها برای بهبود وضع اقتصادی خود و به طور موقت در هندوستان ساکن می‌شدند. (فرشته، ۱۳۸۷: ۲۷۷/۱ و ۴۸۳) حمایت گسترده از شعرا و بزرگان علمی از دوره‌های ابتدایی تاریخ سلاطین دهلی وجود داشته است. به نحوی که بهاءالدین اوشی در شعری قطب الدین آیبک را لک (برابر با صد هزار دینار) بخش لقب می‌نهد. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۳/۲؛ فرشته، ۱۳۸۷: ۶۲۷/۱) در دوره‌هایی حمایت‌های مالی تا اندازه‌ای بوده است که باعث شهرت ایشان در سرزمین‌های اسلامی مانند یمن و خراسان و فارس می‌شده است. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۸۳/۲) این شهرت باعث مهاجرت نخبگان جامعه اسلامی به هند می‌شده است؛ میزان این مهاجرت‌ها که گویا بخش زیادی از آن نیز موقت بوده است در دوره محمد بن تغلق و به علت حمایت‌های بی دریغ وی (رازی، بی تا: ۴۰۹/۱؛ سیرهندی، ۱۳۸۲: ۱۰۸/۳) و به‌رغم قوانین سخت‌تر در مورد مهاجرت افزایش چشمگیری داشته است؛ چرا که در این دوره حکومت تنها به کسانی اجازه ورود به هندوستان را می‌دهد که خواهان اقامت دائم در این سرزمین باشند. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۰/۲؛ بداونی، ۱۳۷۹: ۱۶۰/۱) نمونه این دریافت را می‌توان در مورد فقیه اندکانی مشاهده کرد. فقیه شمس الدین اندکانی در دربار محمد بن تغلق به خاطر هر بیت از قصیده بیست و هفت بیتی خود هزار دینار دریافت کرده است. (ابن بطوطه، ۱۳۷۲: ۸۸/۲)

۲,۳ وجود علمای و عرفای بزرگ در هندوستان



عرفان در دوره‌های از تاریخ میانه هندوستان دارای چنان جایگاهی است که صیت و شهرت بزرگان آن مراکز بزرگ اسلامی مانند حجاز را نیز فراگرفته است. چنانچه جلال الدین بخاری از شهرت و آوازه نصیرالدین چراغ دهلی در نزد علمای مدینه سخن به میان آورده است. (حسینی قریشی، ۱۹۹۲: ۱۱۹) جایگاه فقهی برخی از علمای دهلی نیز تا به جایی است که سفر برخی از این بزرگان علمی به مناطق غربی جهان اسلام همچون بغداد، مورد استقبال علمای آنجا قرار می‌گرفتند. چنانچه مولانا فخرالدین زرادی هنگامی که به سفر حج رفت در بازگشت به سوی بغداد رفته و در آنجا با بزرگان شهر به بحث حدیثی نشست و توانست خود را بر همه آنها غالب کند. (کرمانی، ۱۳۵۷: ۲۸۵) صنعانی هم که از مردم بداون بوده است و مدتی نایب مشرف کول بود. در تبحر حدیثی در دهلی همانندی نداشت. وی در سفری که به حج داشت در مسیر بازگشت به بغداد رفته و توانایی علمی خود را در نزد بزرگان علمی و همچنین خلیفه عباسی نمایان کرد. (کرمانی، ۱۳۵۷: ۱۲۷-۱۲۸) اقامت اصحاب سیف و قلم و سازنده و خواننده و رباب هند (فرشته، ۱۳۸۷: ۲۶۸/۱) و همچنین علما و عرفای متعدد در شهرهای مثل دهلی باعث شده بود، این شهرها از دید برخی «قبه الاسلام عالم» (کرمانی، ۱۳۵۷: ۶۷) نامیده شود، تا جایی که بودن این بزرگان علمی در هند عاملی در جذب بسیاری از مردم سرزمین‌های اسلامی به هند مؤثر بوده است. (کرمانی، ۱۳۵۷: ۷۳) گاه این سفرها و دیدن این بزرگان به مهاجرت دائمی منجر می‌شد. نمونه این مورد را می‌توان در دیدار سید محمد محمود کرمانی، بزرگ خاندان میرخورد کرمانی، با فرید الدین گنج شکر و مهاجرت و اقامت دائمی وی در هندوستان مشاهده کرد. (کرمانی، ۱۳۵۷: ۲۱۸)

۲.۴. جایگاه برتر مهاجران نخبه در دستگاه حکومتی نسبت به مردم بومی

شکل‌گیری حکومت مسلمانان در سرزمین هندو مسلك هندوستان باعث می‌شد تا حکومت سلطنت دهلی نسبت به نخبگان سرزمین‌های دیگر اسلامی که در محدوده قلمروی وی حاضر می‌شدند، احترام و توجه خاصی داشته باشد. (عقیف، ۱۳۸۵: ۴۹۶) محمد بن تغلق آن‌ها را بر مردم سرزمین خود ترجیح می‌داد. آنان را عزیز می‌نامید. و از نظر مالی آن‌ها را بسیار مورد توجه قرار می‌داد؛ تا جایی که داستان‌های بخشش‌های ایشان در سرزمین‌های ایران و یمن شهرت داشت. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۸۴/۲-۸۳) محبت و توجه وی نسبت به علما تا آن اندازه بود که گاه برای علمای سرزمین‌های دیگر هدیه ارسال می‌کرد و گاه



نامه می‌نوشت و آن‌ها را به هندوستان دعوت می‌کرد. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲/ ۹۰؛ برنی، ۱۸۸۹: ۸۰) شدت این توجه را می‌توان در نفرت هندوها از این نخبگان مهاجر مشاهده کرد. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲/ ۱۲۷) بنا بر آنچه بیان شد دور از ذهن بود که مهاجر مسلمان در صورت داشتن توانمندی علمی و اداری در سرزمین هندوستان نتواند برای خود شغل بدست آورد. در میان این مهاجرین تعداد زیادی از ایشان ایرانی بودند، تعداد ایشان تا به حدی بود که مهاجران در سرزمین هند «خراسانی» نامیده می‌شدند. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۵۰/۲)

۲،۵ آبادانی شهرهای هندوستان

وضعیت اقتصادی مناسب برخی از دوره‌ها را می‌توان از بذل و بخشش سلاطین مشاهده کرد. در طول دوره حکومت سلطنت دهلی باعث مهاجرت برخی از مردم سرزمین‌های دیگر اسلامی به این منطقه از دنیای اسلام شده است. شهر دهلی با توجه به مناره‌ای که در مسجد این شهر بود و در دنیای اسلام نظیر نداشت (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲/ ۴۳) و همچنین وسعت آن در دید جهانگرد مسلمان ابن بطوطه بزرگ‌ترین شهر اسلام در مشرق زمین بود. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲/ ۴۰) به طور مثال بدرالدین غزنوی از خلفای معین الدین سجزی به خاطر آبادانی هندوستان به این سرزمین آمد. بعد از مدتی که وی به دهلی وارد می‌شود غزنین که محل زندگی وی و خانواده او بوده است مورد تهاجم نیروهای مغول قرار می‌گیرد. (دهلوی، ۱۳۸۵: ۹۲؛ کرمانی، ۱۳۵۷: ۱۷۵) اقامت تجار ایرانی مانند شرف الدین تبریزی (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲/ ۲۹۶ و ۱۹۴) که در هند و در میان هندوها ساکن بوده‌اند، می‌تواند نشان دهنده توانایی‌های اقتصادی سرزمین هندوستان باشد.

۲،۶ انجام فعالیت‌های تبلیغی اسلام

دعوت مردم هند به اسلام از آغاز فتوحات مسلمانان در هند به عنوان یکی از اهداف آن‌ها برای سکونت در هند بوده است. ایرانیان بخش عمده‌ای از مبلغان اسلام را تشکیل می‌دادند. چشتیه یکی از دو طریقه اصلی تصوف در این دوره سرزمین هند، توسط ایرانیان مهاجر پایه گذاری و تبلیغ شد (چشتی، ۱۳۸۵: ۱۰۳) و در طریقت دیگر، سهروردیه، نیز ایرانیان حضور فعال داشته‌اند. (دهلوی، ۱۹۸۸: ۱۰۴) هنگامی که



به مهاجرت شیخ نور الدین لاری عراقی (دهلوی، ۱۹۸۸: ۵۱؛ سمرقندی، ۱۳۸۲: ۲۱۵) و یا معین الدین چشتی اجمیری به هندوستان (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ۳۴۹/۵) نگاه می‌اندازیم؛ مهاجرت ایشان را برخاسته از وظایف دینی می‌دانیم. گسترش زیاد تصوف در سرزمین‌های غربی هندوستان و همچنین جمعیت زیاد و غیر متخاصم هندوستان عرصه خوبی برای فعالیت‌های مذهبی و ترویج اسلام تلقی می‌شده است.

۳. شرایط و موقعیت فرد کوچ کننده

۳.۱. سن:

در تواریخ دوره حکومت سلاطین دهلی به موردی برمی‌خوریم که سن بالای فرد مانع از وقوع مهاجرت شده است. سعدی شیرازی به‌رغم دعوت خان شهید حاکم ملتان و فرزند غیاث الدین بلبن پادشاه مملوکی هند از آمدن به هندوستان خودداری می‌کند. علت این امر را بودن افرادی مانند امیر خسرو دهلوی در دربار سلاطین و در سرزمین هندوستان و همچنین کهولت سن سعدی شیرازی یاد دانست. (برنی، ۱۸۸۹: ۸۰؛ فرشته، ۱۳۸۷: ۲۸۰/۱) دانسته‌اند.

۳.۲. داشتن توانایی علمی و مهارت خاص

در کتب تاریخی مربوط به این دوره مهاجران ایرانی که نامشان در کتب آمده است و یا به وجود ایشان در هند اشاره شده است، تماماً اهل علم و ادب، تجارت و فعالیت‌های نظامی بوده‌اند. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲/صفحات گوناگون؛ فرشته، ۱۳۸۷: ۱/صفحات گوناگون) بنابراین می‌توان گفت یکی از عواملی که مهاجرت ایرانیان به هند را امکان پذیر می‌نموده و یا مانع از وقوع آن می‌شده است، مهارت و تخصص بوده است. هر چند بخشش‌های فراوان این سلاطین در دوره‌هایی بینوایان را به امید کمک مالی از مغولستان، خراسان و عراق به هندوستان می‌کشانیده است. (فرشته، ۱۳۸۷: ۴۴۷/۱)

۳.۳. گرایش به اسلام

درگیری بین حکومت مغول و حکومت سلاطین دهلی از سال‌های ابتدایی تشکیل سلطنت دهلی آغاز شده بود. این تقابل گاه به رفتارهایی می‌انجامید که مهاجرت مغول‌های ایران نشین را به هندوستان سبب می‌شد. در دوره جلال الدین خلجی سپاه مغول از سمت خراسان به هندوستان حمله ور شد (۶۹۱ هجری



قمری) که کار به مصالحه کشید. (سیرهندی، ۱۳۸۲: ۶۴) در همین رخداد یکی از نوادگان چنگیز به نام الغوژن {مسلمان شده و به همراه حدود سه چهار هزار نفر از مغول با عنوان «نو مسلم» در منطقه‌ای نزدیک غیاث پور که به نام خود ایشان مغول پور نامیده شد، ساکن شدند. (فرشته، ۱۳۸۷: ۳۳۵/۱)

۴. عوامل مداخله گر

۴,۱. اخذ تعهد از مهاجران برای ماندن دایمی در هندوستان

در دوره محمد بن تغلق حکومت دهلی شرط ورود به هند و ورود به دربار را اقامت دائم مهاجرین بیان می‌کند و برای این امر از آن‌ها تعهد گرفته می‌شود. با توجه به اینکه هدف بسیاری از مهاجرین برای ورود به هندوستان اقامت موقت و بدست آوردن ثروت و بازگشت به سرزمین‌های خودشان بوده است. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱۴۸/۲) بنابراین برای آن دسته از مهاجرین که قصد ماندن همیشگی در هندوستان را نداشته‌اند و به سرزمین مادری خود دل بستگی داشته‌اند، این قانون مانع بوده و آن‌ها را از ورود به قلمروی سلاطین دهلی بازمی‌داشته است. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۰/۲)

۴,۲. وابستگی علما به دربار و حکومت

از جمله عواملی که باعث شده است که به‌رغم ویژگی‌های مثبت هندوستان و سلطنت دهلی برخی از بزرگان علمی از رفتن به آن سرزمین سرباز بزنند، وابستگی علما به حکومت و عدم آگاهی سلطان از مرتبه عالم و علم و لزوم مراجعه سلطان به علما و نه بالعکس بوده است. ابن بطوطه برهان الدین ساغرچی را از جمله آن افراد می‌داند که با وجود دعوت سلطان برای اقامت در هندوستان به علت بیان شده از مهاجرت سرباز زد. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۸۸/۲)

نتیجه‌گیری

بر اساس نظریه الیوت باید گفت علت اصلی مهاجرت ایرانیان به هندوستان برخاسته از شرایط ناامید کننده ایران که در نتیجه حملات مغول بوده است و پیامدهای ناشی از آن بوده است، هر چند عواملی مؤثر دیگر



مانند اختلافات سیاسی امرای یک منطقه با حکام نیز گاه در تاریخ این دوره قابل مشاهده است.. شرایط مناسب زندگی نخبگان در هندوستان و بدست آمدن زندگی همراه با آرامش و رفاه بیشتر که در نتیجه زمینه‌های کاری هندوستان باعث جذب ایرانیان به هند می‌شد. نظریه ایوت جدای از این عوامل دوگانه مؤثر در مهاجرت به دو عامل دیگر اشاره می‌کند که در مهاجرت ایرانیان به هندوستان نیز یده می‌شود. یک دسته از عوامل، عوامل شخصی می‌باشند که از ابتدا مانع از حرکت فرد از مبدأ می‌شده‌اند به مانند کهولت سن و دسته دیگر عواملی که در به انجام رسیدن این مهاجرت‌ها دخالت کرده و مهاجر را از رسیدن به مقصد باز می‌داشته‌اند، که مثال این مورد را در تغییر قوانین حکومتی می‌توان مشاهده کرد. در این مهاجرت به مانند بسیاری دیگر از مهاجرت‌ها نمی‌توان تنها یک عامل از عوامل مهاجرت را در جابجایی مؤثر دانست چنانچه در مهاجرت ملک بهرام جد بهلول خان لودی، مؤسس حکومت لودیه، در دوره فیروزشاه تغلقیه هندوستان تنها اختلافات وی با برادر خود که شغل تجارت بین هندوستان و سرزمین‌های افغان نشین بر عهده داشت را نباید مورد توجه قرار داد، بلکه باید به زمینه کاری هندوستان و آشنایی ملک بهرام با افراد حکومتی اشاره کرد که عاملی بود در این که وی بتواند بلافاصله بعد از ورود به ملتان به شغل نوکری حاکم ملتان دست یابد. (فرشته، ۱۳۸۷: ۷۵۳/۱) بنابراین مهاجرت ایرانیان نخبه به هندوستان از موقعیت و شرایط فردی و اجتماعی ناشی شده و بر اساس یافته‌های تاریخی نظریه ایوت در مورد آن صدق می‌کند.

منابع

ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۷۶). سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: آگه.

استرآبادی (فرشته)، محمد بن عبدالله (۱۳۷۸). تاریخ فرشته، تهران: آگه.

بداونی، عبدالقادر بن ملک‌شاه (۱۳۷۹). منتخب التواریخ، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

برنی، ضیاءالدین (۱۸۸۹). تاریخ فیروزشاهی، تصحیح احمدخان و ولیم ناسولیز. بنگاله: اسپاک سوسیتهی.

جوینی، عطا محمد بن محمد (۱۳۸۵). تاریخ جهانگشا، تصحیح محمد قزوینی. تهران: دستان.



- چشتی، الله ديه بن عبدالرحيم (۱۳۸۶). **خواجهگان چشت**: سير الاقطاب (مجموعه زندگي نامه‌های مشايخ چشتيه)، تصحيح محمد سرور مولايي. تهران: علم.
- خباز بهشتي، زهرا (۱۳۸۱). **مهاجرت** (بررسی مشکلات مهاجران در جهان)، تهران: آشيانه كتاب.
- دهلوی، حسن بن علی (۱۳۸۵). **فوائد الفوائد**، مصحح توفيق هاشم پور سبحانی، تهران: زوار.
- دهلوی، محمدصادق (۱۹۸۸). **كلمات الصادقين**، مصحح محمد سليم اختراسلام آباد، بی جا.
- رازی، امين احمد (بی تا). **هفت اقلیم**، تهران: كتاب فروشی علی اكبر علمی.
- زرین کوب، غلامحسین (۳۷۸). **روزگاران**، تهران: سخن.
- زنجانی، حبيب الله (۱۳۸۰). **مهاجرت**، تهران: مركز تحقيق و توسعه انسانی و دانشگاه اصفهان.
- سیرهندی، يحيی بن احمد (۱۳۸۲). **تاریخ مبارک شاهی**، تهران: اساطیر.
- سمرقندی، دولتشاه (۱۳۸۲). **تذکره الشعراء**، مصحح ادوارد گرانویل براون، تهران: اساطیر.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۸). **تاریخ ادبیات در ایران و قلمروی زبان پارسی**، ج ۳، تهران: فردوس.
- عفیف، شمس سراج (۱۳۸۵). **تاریخ فیروزشاهی**، مصحح ولایت حسین، تهران: اساطیر.
- علوی کرمانی (میرخورد)، محمد بن مبارک (۱۳۵۷). **سير الاولیاء**، لاهور: مركز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- عوفی بخارایی، محمد بن محمد (۱۳۸۶). **متن انتقادی جوامع الحایات و لوامع الروایات**، تدوین مظاهر مصفا، ج ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- لهاسائی، عبدالعلی (۱۳۳۸). **نظریات مهاجرت**، شیراز: نوید شیراز.
- محدث دهلوی، عبدالحق (۱۳۸۳). **أخبار الاخيار**، مصحح أشرف خان علی‌ام، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مدرس تبریزی، محمد علی (۱۳۶۹). **ریحانه الادبفی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب**، تهران: كتاب فروشی خیام.
- هدایت، رضا قلی بن محمد هادی (۱۳۸۲). **مجمع الفصحا**، مصحح مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.

وحیدی، پریدخت (۱۳۶۴). مهاجرت بین‌المللی و پیامدهای آن، تهران: وزارت برنامه‌ریزی و بودجه مرکز مدارک اجتماعی و اقتصادی.

